



بررسی عوامل موثر بر رفتارهای وندالیستی جوانان با تأکید بر نقش حاشیه نشینی (مورد مطالعه: جوانان شهر تهران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۰ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۲

سروش فتاحی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار،
گروه علوم اجتماعی، گرمسار، ایران *sfathi@iau-garmsar.ac.ir* (مسئول مکاتبات)
هاشم آرام

دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران *aram8jin@yahoo.com*

حبیب‌الله کریمیان

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار،
گروه علوم اجتماعی، گرمسار، ایران *habibkarimian@yahoo.com*

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: هدف مقاله حاضر بررسی عوامل موثر بر رفتار وندالیستی جوانان به ویژه نقش حاشیه نشینی در این رفتارها است. استدلال مقاله بر این است که حاشیه نشینی به عنوان یک عامل مستقیم و قوی بر رفتارهای وندالیستی اثر معنی داری دارد و در کنار آن متغیرهای آنومی، ارتباط با کج روها و پایگاه و جنسیت به عنوان عوامل واسطه گر و مقوم حاشیه نشینی این تأثیر را تقویت می کنند.

روش پژوهش: مطالعه حاضر با استفاده از روش‌های اسنادی و پیمایشی و نیز تکنیک‌ها و ابزارهای فیش برداری و پرسشنامه، انجام شده است و نمونه ۳۵۰ نفر با استفاده از شیوه نمونه گیری خوشه‌ای طبقه‌ای با حجم نامتناسب و تصادفی تعیین گردید، تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی و با بهره گیری از آماره‌های پارامتریک و ناپارامتریک صورت گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بین پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان آنومی و میزان ارتباط افراد با کجروها با میزان رفتارهای وندالیستی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد، و همچنین تفاوت معنی داری در رفتارهای وندالیستی دو گروه جوانان حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین وجود دارد.

نتیجه گیری: نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که رفتارهای وندالیستی جوانان در مناطق حاشیه نشین به نسبت مناطق غیر حاشیه نشین، بیشتر است و این امر با توجه به عوامل دیگری نظیر آنومی، ارتباط با کج روها و پایگاه پایین افراد تشدید می‌شود.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، وندالیسم، رفتار وندالیستی، جوانان

رفتارهای تخریب‌گرایانه جوانان در جامعه، بخشی از رفتارهای ناپه‌نجان و پرخاشگرانه‌ای است که جوانان و نوجوانان بدون هیچ‌گونه بهره‌مادی مرتکب آن می‌شوند. چنین رفتارهایی، همواره خسارت‌های زیادی بر پیکره جامعه تحمیل می‌کند. در واقع این پدیده اجتماعی که خاصیتی فراگیر و جهانی دارد، وندالیسم نامیده می‌شود و با توسعه شهرنشینی در اشکال و ابعاد مختلف گسترش بسیار یافته است. لازم به تذکر است که همچون سایر پدیده‌های اجتماعی، عوامل مختلفی در بروز رفتار وندالیستی از جانب جوانان و نوجوانان اثرگذار است در فضاهای شهری از جمله فضاهای حاشیه‌نشین این‌گونه رفتارها به مراتب بیشتر از فضاهای توسعه یافته می‌توان مشاهده نمود.

توسعه ناموزون جامعه مدرن شهری و اسکان انبوه جمعیت مهاجر موقعیت یاب و بریده از مکان اولیه تحولاتی در ساختارهای اجتماعی و روابط و مناسبات جمعی در دوران جدید به وجود آورده که تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی را متأثر ساخته است. در دنیای امروز روابط انسان‌ها در معرض تغییر و تحول و پیچیدگی فزاینده قرار دارد. تمدن ماشینی امروز که به دنبال خود، توسعه شهرهای صنعتی، ایجاد محلات پر جمعیت، تغییر زندگی ساده قدیمی و تبدیل آن به یک زندگی پر تجمل و پیچیده مبتنی بر روابط رسمی و بی‌روح همراه با فردگرایی مفرط، رقابت سرسختانه، عقل‌گرایی، در آمیختگی سنت‌های کهنه و نو، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست‌ها و عقده‌های روانی پنهانی و امیال و آرزوهای سرکوب شده و تشدید احساس درماندگی ناتوانی و اجحاف را به ارمغان آورده است، پی‌آمد دیگری نیز داشته و آن عصیان روزافزون انسان‌ها علی‌الخصوص نسل جوان، در برابر واقعیات اجتماعی و نیروهای سرکوبگر بیرونی است. به زعم هوبر (۱۹۹۱) و ویلکینسن (۱۹۹۵) عصیان روزافزون انسان علی‌الخصوص نسل جوان در برابر تحمیلات اجتماعی و نیروهای قاهر و سرکوبگر بیرونی مبین احساس اجحاف و درماندگی آنها و گویای خشم و پرخاشگری آنان است (فتحي و محمدی ۱۳۹۱).

از زمانی که شهرنشینی رواج یافته، مشکلات و مسائل اجتماعی نیز به تبع از آن گسترش یافته است. گسترش شهرنشینی در ایران با سیاست‌های تمرکزگرایی رضا خان و حذف روستا نشینی و زندگی عشایری بوده است، بر همین مبنا گسترش شهرنشینی بنا به دلایل مختلف تبعات و پیامدهایی دارد که نیاز به برنامه

ریزی و سیاست‌گذاری متناسب و مناسب است. یکی از تبعات و پیامدهای شهرنشینی حاشیه‌نشینی می‌باشد که این حاشیه‌نشینی به صورت آلونک‌نشینی، کپر نشینی، حلبی‌آبادها تجلی یافته است (فتحي و دیگران ۱۳۹۱). اصطلاح حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه به محلات فقیرنشین اطلاق می‌شود که در اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده و ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شده تا از امکانات و خدمات شهری استفاده نمایند. افراد حاشیه‌نشین به علت عوامل رانش زادگاه خود، افزایش بی‌رویه جمعیت، توزیع نامتناسب و نا عادلانه امکانات در سطح کشور به بهانه عدم توجیه اقتصادی، عدم حمایت از مشاغل بومی و پایه‌ای در روستاها و شهرهای کوچک و از سوی دیگر پدیده‌های طبیعی مانند سیل، خشکسالی، سرمازدگی محصولات کشاورزی، آفات دامی، ناامنی و... و به دلیل عوامل جذاب شهری زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو بر اثر عوامل پس‌ران شهری از سوی دیگر از محیط شهری پس‌زده می‌شوند و به تدریج در کانون‌های به هم پیوسته می‌شوند و یا جدا از یکدیگر در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند. حاشیه‌نشینی عبارت است از وضع زندگی تمام کسانی که در جامعه شهری ساکنند ولی از نظر درآمد، بهره‌گیری از امکانات و خدمات در شرایط مطلوبی به سر نمی‌برند (عبدی ۱۳۸۶، ۸).

نخستین متفکری که مفهوم «انسان حاشیه‌نشین» را پیشنهاد و به صورت نظریه‌ای وارد مطالعات جامعه‌شناسی کرد، رابرت پارک جامعه‌شناس طراز اول آمریکایی و از سردمداران مکتب شیکاگو است و پارک با الهام گرفتن از عقاید و افکار استاد خود جورج زیمل آلمانی، در مقاله‌ای تحت عنوان «مهاجرت انسانی و انسان حاشیه‌نشین» مفهوم «انسان حاشیه‌نشین» را چنین تعریف می‌کند:

انسان حاشیه‌نشین شخصیتی است که از حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیاناً متخاصم ظهور می‌نماید. چنین موجود دو رگه‌ای در زمان واحد نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق دارد ولی در عین حال خود را نسبت به هیچ‌کدام کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند.

به عبارت دیگر پارک «انسان حاشیه‌نشین» را شخصیتی می‌شناسد که به دلایل گوناگون و تحت

وندالیسم^۱ از واژه وندال^۲ گرفته شده است. در حوزه جامعه‌شناسی، تعریف‌های مختلفی از وندالیسم شده است، کلارک (۱۹۹۱) وندالیسم را تخریب آگاهانه، ارادی و خودخواسته اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی می‌داند.

هم‌چنین اغلب تعاریف ارائه شده در مباحث انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، وندالیسم را به عنوان رفتاری معطوف به تخریب و خرابکاری اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی نام برده‌اند (محسنی تبریزی ۱۳۸۳، ۲۲).

پاتریس ژانورن (۱۳۶۷) وندالیسم را نوعی روحیه بیمار گونه تعریف می‌کند که به تخریب تأسیسات عمومی نظیر تلفن‌های عمومی، صندلی اتوبوس‌های شهری، مترو و ترن‌های مسافربری و باجه‌های پست و تلگراف و نظایر آن تمایل دارد. کلینارد (۱۹۷۵) معتقد است وندالیسم عبارت است از تخریب ارادی اموال و متعلقات عمومی به صورتی مداوم و مکرر (محسنی تبریزی ۱۳۸۳، ۱۴). او از وندالیسم به عنوان نوعی بیماری جهانی خرابکاری در قرن حاضر و عصر مدرن و به مثابه پدیده‌ای جهانی نام می‌برد و آن را به گونه‌ای تخریب مجاز آثار تمدن اطلاق می‌کند. به همین علت است که اغلب روحیه‌ای را که تمایل به نابودی آثار هنری تخریب اموال عمومی و هر چیزهای زیبای دیگر دارد روحیه ویرانگر یا متمایل به خرابکاری (وندالیسم) می‌خوانند. مییر و کلینارد (۱۹۷۵) وندالیسم را این چنین تعریف می‌کنند: وندالیسم عبارتست از تخریب ارادی اموال و متعلقات عمومی به صورت مداوم و مکرر (پاتریس ژانورن ۱۳۶۷، ۲۰۸).

در جوامعی که نظام ثبت اطلاعات دقیق و منظمی دارند، یافته‌ها حاکی از آن است که سالانه بخش‌های مختلف جامعه متحمل خسارات گسترده‌ای از این اقدامات می‌شود و هر ساله میلیون‌ها دلار صرف تعمیر و جایگزینی اشیایی می‌شود که وندال‌ها به آن‌ها آسیب وارد کرده‌اند. آمار و ارقامی که از سوی نهادها در کشورهای مختلف ارائه می‌شود، ارقام سرسام‌آوری را نشان می‌دهد. در هلند رقم خسارات وارده به اموال عمومی که ناشی از اقدامات وندالیستی است سالانه بیش از ۵۰۰ میلیون کرون است. در پاریس این رقم به ۲۰۰ میلیون فرانک می‌رسد. در آلمان این رقم به بیش از ۴۳ میلیون فرانک هم رسیده است (محسنی تبریزی ۱۳۸۳). آمار و ارقام مربوط به اشیاء تخریب شده در حوزه‌های مختلف، به خوبی نشان‌دهنده گستره و تنوع آسیب‌هایی

شرایط خاصی از تحول فرهنگ‌ها، ارتباط منطقی، حقیقی و فرهنگی خود را با محیط خویش از دست داده ولی هنوز نتوانسته است یا نخواسته است با فرهنگ و شرایط جدیدی که با آن روبرو شده ارتباط معنوی برقرار نماید.

منظور از موقعیت حاشیه نشینی شرایط عالمی است برزخ گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می‌آورد. فرد خود را در شرایطی می‌یابد که در آن روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و ملی تا حدودی دست‌خوش تزلزل شده ولی روابط و ارزش‌های دیگری هنوز به طور کلی جایگزین آنها نشده است (انتظاری ۱۳۸۸).

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که، معمولاً حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر نشده‌اند.

همچنین رفتار خود حاشیه‌نشینان نیز به گونه‌ای رفتار طبیعی خود ساکنین شهر نمی‌باشد. اگر انتخاب مسکن را سازش با نوعی رفتار اجتماعی بدانیم، خود تن دادن به سکونت در مسکن‌های حاشیه‌ای و انتخاب چنین سکونت گاهی، حال به هر دلیل جدا بودن شیوه زندگی حاشیه‌نشینان از دیگر ساکنین شهر است (ربانی و دیگران ۱۳۸۵، ۹۴).

در کل علت تلفی عدم جذب او در نظام اجتماعی - اقتصادی شهر، یکی مسکن اوست و دیگر اینکه شیوه زندگی او با شیوه زندگی دیگر افراد معمولی ساکن در شهر که همان درآمد را دارند، بسیار متفاوت است و در قالب رفتارهای اجتماعی متعارف شهری نیست (همان، ۸).

از این‌رو وندالیسم مرضی نو ظهور و مدرن و عکس‌عملی خصمانه و کینه‌توزانه به برخی از صور فشارها حرمان‌ها و اجحاف‌های بیرونی و اجتماعی است. در متون جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی وندالیسم مکرراً به مفهوم داشتن نوعی روحیه بیمارگونه به کار رفته که مبین تمایل به تخریب آگاهانه ارادی و خودخواسته اموال تأسیسات و متعلقات عمومی است (ویلیکینسن ۱۹۹۵ به نقل از تبریزی، ۱۶).

وندال‌های مطالعه شده مهاجر (فردی یا خانوادگی) هستند. ۶۰ درصد آنها وضعیت ثابتی از نظر محل سکونت ندارند و به طور مستمر در حال جابجا شدن هستند. ۸۶/۶ درصد این افراد در منزل غیر ملکی زندگی می‌کنند و ۶۰ درصد آن‌ها عنوان کرده‌اند که خشونت و بی‌رحمی برایشان ارزش بالایی دارد. در مجموع این پژوهش نتیجه می‌گیرد که پایگاه اقتصادی و اجتماعی، تجارب نامطلوب دوران کودکی، نحوه گذران اوقات فراغت، نارضایتی از وضعیت موجود، عضویت در گروه‌های بزهکاری و سکونت در محلات جرم‌خیز بیشترین اثر را در گرایش نوجوانان به رفتارهای وندالیستی دارد.

شکرریزی (۱۳۷۶) پژوهشی با عنوان «وندالیسم تخریب آگاهانه اموال عمومی» به انجام رسانده است. هدف اصلی در این پژوهش شناخت این پدیده در مدارس شهر تهران و بررسی بسترها و زمینه‌های گرایش جوانان به انجام اعمال وندالیستی است. روش پژوهش علی-مقایسه‌ای بوده و از میان پسران مشغول به تحصیل در مقطع متوسطه سه منطقه (۲، ۸ و ۱۹) شهر تهران در سال ۱۳۷۶، ۱۵۰ نفر که شامل دو گروه وندال (۲۵ نفر) و غیر وندال (۱۲۵ نفر) انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. سن پاسخگویان بین ۱۷-۱۸ سال بود. همچنین ۴۰/۷ درصد در سال اول، ۲۱/۳ درصد در سال دوم، ۳۰ درصد سال سوم و ۸ درصد پیش‌دانشگاهی بودند. ۵۲ درصد از وندال‌ها، انگیزه اصلی انجام اعمال وندالیستی را تفریح و بازی، ۲۰ درصد بروز ناراحتی و خشم، ۲۰ درصد نشان دادن شجاعت و ۴ درصد انزجار و تنفر از کادر مدرسه کرده‌اند. احساس تبعیض ۵۲ درصد از وندال‌ها شدید، ۲۴ درصد متوسط و ۲۰ درصد اندک گزارش شده است. احساس اجحاف در میان وندال‌ها بیش‌تر از غیر وندال‌هاست و ۳۶ درصد وندال‌ها احساس می‌کنند که در حق آن‌ها اجحاف شده است. این در حالیست که در میان غیر وندال‌ها این نسبت به ۳۶ درصد می‌رسد. حدود ۹۵ درصد وندال‌ها سابقه شکست تحصیلی و تجدید یا مردود شدن را در کارنامه خود دارند، این در حالیست که در گروه کنترل (غیر وندال‌ها) این میزان به ۶۷/۴ درصد می‌رسد. همچنین ۵۶ درصد از وندال‌ها تخریب اموال عمومی را نوعی اعتراض به وضع موجود عنوان کرده‌اند.

پیران (۱۳۸۰) در مورد حاشیه نشینی معتقد است که در دوران رشد سریع توسعه برون‌زای کشور، آلودگی نشینی نیز رشد پیدا می‌کند. با شروع توسعه برون‌زا و

است که در بخش‌های خدمات، محیط زیست، آموزش، بهداشت و تفریحات وجود دارد و هر روزه در این جوامع جاری و ساری است.

با توجه به مطالبی که ذکر شد مسئله اصلی این تحقیق عبارت است از: عوامل موثر بر رفتارهای وندالیستی جوانان کدامند؟ و نقش حاشیه نشینی در رفتارهای وندالیستی جوانان تا چه اندازه است؟

اهداف پژوهش

هدف کلی: بررسی عوامل موثر بر رفتارهای وندالیستی جوانان شهر تهران با تأکید بر نقش حاشیه نشینی.

اهداف جزئی:

- شناخت تأثیر حاشیه نشینی بر رفتارهای وندالیستی جوانان.
- شناخت تأثیر آنومی بر رفتارهای وندالیستی جوانان.
- شناخت تأثیر میزان ارتباط با کج روها بر رفتارهای وندالیستی جوانان.
- شناخت تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی بر رفتارهای وندالیستی جوانان.
- شناخت تأثیر جنسیت بر رفتارهای وندالیستی جوانان.

ادبیات پژوهش

پیشینه تجربی

زندانیان (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «مورد پژوهی چندگانه وندالیسم» به دنبال بررسی علل و زمینه‌های بروز وندالیسم است. وی از میان جوانان و نوجوانان وندال (خرابکار) ۲۲-۱۳ ساله که در زندان، کانون اصلاح و تربیت و مراکز بهزیستی شهر تهران به سر می‌برند ۳۰ نفر انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۱۷/۱ سال می‌باشد که ۵۶/۷ درصد پسر و ۴۳/۳ درصد دختر بوده‌اند. ۶۴/۵ درصد پاسخگویان تجارب نامطلوبی را در دوران کودکی تجربه کرده‌اند. ۷۲/۴ درصد آن‌ها از نظر پایگاه اجتماعی، اقتصادی خانواده در پایین‌ترین رتبه قرار دارند. به طور متوسط ۸۸/۹ درصد پاسخگویان در گروه‌های بزهکاری عضویت داشته و به ارزش‌های آن‌ها وابسته هستند. ۶۳/۳ درصد وندال‌ها اوقات فراغت خود را به نحو خطرناک می‌گذرانند. ۵۳/۳ درصد آنها در موقعیت‌ها و محله‌های جرم‌خیز زندگی کرده‌اند. ۵۶/۷ درصد

احساس امنیت مسافران دارد. مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۳ در نیویورک انجام شد نشان داد که به دلیل افزایش خرابکاری و گرافیتی در مترو تعداد مسافران ۱۲٪ کاهش پیدا کرد

۴- وندالیسم در بین جوانان بیشتر از سایر افراد شایع است.

در یک مطالعه دیگر نیز که توسط موری در اتوبوس‌ها در لندن در گروه سنی ۱۱ تا ۱۶ سال انجام شد، نتایج نشان داد که یک چهارم آنها حداقل یک بار مرتکب جرائم عمومی و خرابکاری شده‌اند. در این مطالعه ۵۰٪ از نمونه‌ها خود را فرد ریسک پذیر و شجاع معرفی کردند. ۲۵٪ از آنان دلیل انجام اعمال وندالیستی را لذت بردن از خطرات اعلام کردند. یک پنجم نمونه‌های دلیل این کار را تحت فشار قرار گرفتن از سوی دوستان دانستند و یک پنجم به دلیل هیجان این کار را انجام دادند.

پیشینه نظری

نظریه آنومی

نظریه «آنومی»^۳ با مجموعه‌ای از مفاهیم متناظر است و به چند مفهوم متفاوت پوشش معنایی می‌دهد. از بعد معرفت شناختی، مفهوم آنومی به طور تلویحی از طرف بسیاری از جامعه‌شناسان به عنوان واقعیتی که تنها از گذر تظاهرات گوناگون قابل مشاهده است، ادراک شده است، بدین ترتیب هر اندیشمندی می‌تواند از درجه اعتقادی و علمی خود به این پدیده نگاه کند و به مطالعه آن بپردازد؛ و از بعد دیگر، از مقوله جامعه شناسی علم است. آنومی در جامعه‌شناسی غیر مارکسیستی شاید همان مفهومی باشد که الیناسیون^۴ (از خود بیگانگی) در جامعه شناسی مارکسیستی دارد. در واقع الیناسیون و آنومی در دو چارچوب نظری متفاوت، ایده نابسامانی بنیادی در روابط میان فرد و جامعه‌اش را بیان می‌کنند. می‌توان گفت آنومی یا نابسامانی اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که کنش‌های افراد دیگر از هنجارها و ارزش‌های روشن و نافذ جامعه تبعیت نمی‌کنند (بودون و بوریگو ۱۳۸۵، ۶۶۰-۶۵۹). از این دید آنومی حاصل وضعیت آشفته‌ای است که هنجارهای جامعه از بین رفته و یا در حالت تضاد قرار گرفته‌اند. در جوامعی که شرایط آنومیک به طور گسترده وجود داشته باشد، خطر متلاشی شدن بیشتر است و افراد این جوامع اغلب احساس جدایی و بی‌جهتی می‌کنند زیرا هیچ خطوط راهنمایی برای مقاصد مشترک ندارند (حسینی ۱۳۸۵، ۴۸).

تحمیلی کشور از طریق سرمایه گذاری‌های روبنایی حاصل از درآمد نفت، قطب‌های توسعه برون‌زا در مراکز استان‌ها به ویژه در مرکز اداری کشور شکل می‌گیرد به نحوی که بخش اعظم امکانات به قطب‌های یاد شده سرازیر می‌گردد. با تمرکز امکانات، درآمد و شغل در نقاط محدود، آرایش فضایی جامعه بهم خورده و تمرکز فضایی در قطب‌های مذکور ایجاد می‌گردد. با تمرکز فضایی، نرخ مبادله بین شهر و روستا و شهرهای کوچک و مراکز توسعه برون‌زا به زبان روستا و شهرهای کوچک تغییر می‌کند و واردات، جانشین تولیدات روستا و بطور کلی داخلی شده، نتیجتاً روستا به زائده‌ای بر ساختار جامعه بدل می‌شود و علت وجودی خود را از دست می‌دهد.

جولیا استفورد از استرالیا نیز در مطالعه خود با عنوان «وندالیسم، دیوار نویسی و خرابکاری‌های محیط زیست در حمل و نقل» به بررسی مقیاس این مشکلات؛ موضوعات کلیدی از جمله زمان اوج و گروه‌های مجرم؛ دلایل جنبه‌های مختلف گرافیتی (دیوار نویسی)، خرابکاری در محیط زیست و شیوه‌های موجود برای جلوگیری و مقابله با این مشکلات در سراسر کشور و در سطح بین‌المللی پرداخته است. نتایج بدست آمده از این بررسی عبارت بودند از:

۱- در بین عوامل مختل کننده امنیت و کیفیت زندگی وندالیسم بیشترین تأثیر را دارد.

در نظر سنجی‌های انجام شده، ۹۶٪ از مردم عامل وندالیسم را مؤثرترین عامل در اختلال امنیت و کیفیت زندگی معرفی کرده‌اند؛ و بعد به عواملی چون وجود فضولات سگ و روبروی ضایعات صنعتی و... اشاره کرده‌اند.

۲- احتمال وقوع وندالیسم در مناطق محروم بیشتر از مناطق دیگر گزارش شده است.

مطالعات انجام شده نشان داده است که اگر چه ممکن است خرابکاری و وندالیسم در هر محله‌ای وجود داشته باشد ولی افرادی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند احتمال بیشتری برای روبرو شدن با وندالیسم را در مقایسه با مردم سایر مناطق بیان کردند. در کل این مطالعات نشان داده است که وجود وندالیسم در مناطق محروم ۱۹٪ بیشتر از سایر مناطق می‌باشد.

۳- وجود وندالیسم در جامعه موجب کاهش احساس امنیت در مردم می‌گردد.

مطالعات وندالیسم در زمینه حمل و نقل نشان می‌دهد که کیفیت محیط زیست اثر قابل توجهی در

نظريه فشار ساختاری

بر اساس این نظریه، فشار اجتماعی سبب کج رفتاری افراد می‌شود. مرتن معتقد است هنگامی که بین اهداف نهادی شده و وسایل نهادی شده برای نیل به آن‌ها، هماهنگی وجود دارد و اکثریت افراد جامعه برای دستیابی به اهداف و ارزش‌های نهادی شده، بر طبق هنجارهای مقرر یا وسایل نهادی شده عمل می‌کنند، شیوه‌های انطباق فردی یا مسایل و آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد یا بسیار محدود است. اما هنگامی که تبلیغ و تأکید فراوانی، در مورد اهداف نهادی شده به وسیله نظام جامعه‌پذیری وجود دارد و سطح توقعات مردم برای دستیابی به تحرک اجتماعی افزوده شده است، اما وسایل و شیوه‌های نهادی شده برای نیل به این اهداف فراهم نیست با این شیوه‌های نهادی شده برای همگان قابل دسترسی نیست، عدم تعادل ساختاری، بی‌سازمانی اجتماعی و شیوه‌های انطباق فردی نمود می‌یابد (اسکیدمور ۱۳۷۴، ۱۶۲).

این وضعیت در جوامع در حال توسعه که نیروی انسانی به عنوان محرک توسعه در نظر گرفته می‌شود، فشار بیشتر و در نتیجه، بی‌سازمانی اجتماعی، آنومی و رفتارهای انحرافی بیشتر به وجود می‌آورد (معمدی ۱۳۸۷، ۶۲).

مسئله مورد توجه مرتن این است که نیازهای نظام با وفاق اجتماعی موجود یکسان نیستند. او اظهار می‌دارد که افرادی که موقعیت‌های اجتماعی گوناگونی را در ساخت اجتماعی اشغال می‌کنند ممکن است دارای علائق و ارزش‌های متفاوتی باشند. بنابراین معیارهای ارزشی تمامی گروه‌ها یکسان نیست و چون این معیارها متفاوت هستند گاهی ممکن است آنها در تناقض با یکدیگر قرار بگیرند. این احتمال وجود دارد که مشکلات یک گروه باعث امتیازاتی برای گروه‌های دیگر باشد. یک الگوی اجتماعی ممکن است برای بخشی از جامعه کارکردی و برای بخشی دیگر غیر کارکردی باشد. تناقض‌های که مرتن مطرح می‌سازد در واقع بیشتر بعد فرهنگی اشاره دارد که بخشی از ساخت اجتماعی هستند. مسئله دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که در خیلی از موارد کسانی که دسترسی به فرصت‌ها برای موفقیت دارند نیز هنجار شکنی می‌کنند. مرتن اشاره کرده که افراد خود را با یکدیگر به شکل نسبی و بی‌نهایت مقایسه می‌کنند البته توجه اصلی مرتن به طبقات محروم از فرصت‌های موفقیت بوده است. بعضی از افراد هم بدون اینکه شایستگی خاصی داشته

باشند به موفقیت دست پیدا می‌کنند. این امر خود می‌تواند علتی برای احساس شکست، تشدید بی‌سازمانی اجتماعی و حالت آنومی باشد.

زمانی که شیوه‌های نهادی شده که نوید موفقیت می‌دهند در اختیار فرد قرار نمی‌گیرند، نتیجه مواجه شدن فرد با یک شرایط یا حالت متناقض است. توجه اصلی او به انطباق از طریق راه‌های غیر قانونی دستیابی به هدف است. اهداف تعریف شده فرهنگی تحت عنوان موفقیت که در ارتباط با ثروت و قدرت قرار دارد. این حالت زمانی واقع می‌شود که فرد تأکید فرهنگ بر موفقیت را به شدت درونی ساخته اما شیوه‌های قانونی دستیابی به این اهداف را به همان اندازه درونی نکرده است.

در واقع رفتارهای غیر اجتماعی از دیدگاه مرتن تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی پدید می‌آید که این ارزش‌ها نیز خود نمایشگر ساختار طبقاتی یک جامعه نابرابر هستند. فقدان تجانس میان شیوه‌ها و اهداف باعث پیدایش موارد زیاد رفتار غیر اجتماعی در گروه‌ها می‌شود. فقر و محدود بودن فرصت‌ها به خودی خود باعث افزایش ارقام جنایت و انحراف نمی‌شود. حتی فقر در میان یک جامعه مرفه هم ممکن است باعث افزایش کج رفتاری نگردد.

نظریه یادگیری اجتماعی

بر طبق این نظریه، رفتار انحرافی و مجرمانه در تماس با سایر اشخاص و در جریان یک ارتباط (به عنوان یادگیری اجتماعی در رود جامعه‌پذیری) آموخته می‌شود. نظریه یادگیری اجتماعی، کج رفتاری و انحرافات را نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به ویژه در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان می‌داند. ساترلند به عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز این چارچوب، معتقد است که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی شان به نسبت تماس‌های غیر انحرافی شان بیشتر است. از دید ساترلند، جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی رخ می‌دهد. البته نظریه ساترلند تکمیل کننده نظریه شاو و مک کی می‌باشد که مسئله یادگیری در محیط اجتماعی آلوده به فساد را مطرح می‌کند (ممتاز ۱۳۸۱، ۸۹-۹۰). ساترلند در سطح تعامل اجتماعی مدعی شد که افراد به همان شیوه‌ای که یاد می‌گیرند از قوانین تبعیت کنند، به همان شیوه هم یاد می‌گیرند که کج رفتار شوند (سروستانی ۱۳۸۳، ۱۶).

اجبار از وسایل نامربوط و غیرمعمول جامعه استفاده می‌کند که این می‌تواند منجر به انواع انحراف و طغیان و نوآوری شود که رفتارهای وندالی و تخریب‌گرایانه نیز یکی از این‌ها می‌تواند باشد. بدین ترتیب این نظریه‌ها «نظریه کارکردگرایی و کارکردگرایی ساختاری» در قالب رویکرد وفاق، رفتارهایی که مغایر با تمامی عناصر جامعه می‌باشند به عنوان آسیب‌های اجتماعی می‌باشند. این رویکرد بیشتر روی عوامل ساختاری جامعه در بروز مسائل اجتماعی از جمله رفتارهای وندالیستی تأکید می‌کند. اندیشمندان این رویکرد معتقدند که عامل به وجود آمدن مسائلی از قبیل رفتارهای وندالی در جامعه ناشی از وضعیت آنومیک (ناپهنجار)، بی‌سازمانی اجتماعی و فقر است.»

به صورت کلی نظریه‌های این رویکرد از جمله نظریه آنومی، فشار ساختاری، در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی به شرایطی توجه دارند که منجر به از هم گسیختگی، ضعف و تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت‌های اجتماعی می‌شوند و عدم تعادل ساختاری و ضعف انسجام اجتماعی را به وجود می‌آورند. این نظریه‌ها برخلاف نظریه آسیب شناسی اجتماعی، بر واحدهای تحلیل بزرگ‌تری همچون ساختارها، خرده نظام‌ها، نهادها، گروه‌ها، اقشار و یا طبقات اجتماعی متمرکز می‌شود و نقش عوامل ساختاری را که مانع از انطباق و سازگاری گروه‌ها و اقشار اجتماعی یا خرده نظام‌ها و نهادهای جامعه با تغییرات اجتماعی و محیطی سریع می‌شوند و عدم تعادل ساختاری را به وجود می‌آورند، بررسی می‌کند.

از طرف دیگر، دیدگاه تضاد جامعه را به صورت مجموعه‌ای از افراد و گروه‌هایی می‌داند که در تقابل با یکدیگرند که این کشمکش ادامه دارد. از این دید گروه‌های که قادرند قدرت سیاسی خود را ابراز کنند، قانون و قدرت به نفع آن‌هاست و از قانون و نظام قضایی برای پیشرفت موقعیت اجتماعی و اقتصادی‌شان استفاده می‌کنند. اندیشمندان و صاحب نظران این دیدگاه، غالباً مجازات‌های شدیدی که برای فقرا به خاطر جرایم خیابانی در نظر گرفته می‌شود را با مجازات‌های سبکی که برای ثروتمندان اعمال می‌گردد، مقایسه می‌کنند. از دیدگاه تضاد، جرم بر حسب ثروت و موقعیت تعریف می‌شود و نه بر مبنای وفاق اخلاقی یا ترس از گسیختگی اجتماعی. طبق این تعریف، جرم یک مفهوم سیاسی است که به منظور حفظ قدرت و موقعیت طبقات بالای جامعه به وجود آمده است (Siegel 1998) این رویکرد موضوع

ساترلند می‌گوید برای آنکه شخصی تبهکار گردد نخست باید یاد بگیرد که چگونه تبهکار شود. او سپس ادامه می‌دهد که این یادگیری در نتیجه کنش متقابل اجتماعی فرد با دیگران حاصل می‌شود. بیشتر افراد هم در معرض تماس با افراد یا گروه‌های منحرف قرار می‌گیرند و هم در معرض تماس با افراد یا گروه‌های غیر منحرف. ساترلند ارتباط متقابل با این گروه‌ها را بر حسب بسامد - الویت دوام و شدت اندازه گیری کرد. هرچه سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های منحرف بر حسب این چهار متغیر بالاتر باشد، احتمال رفتار انحراف آمیز شخص نیز بیشتر می‌شود؛ و برعکس اگر سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های غیر منحرف باز هم بر حسب این چهار متغیر بیشتر باشد، احتمال رفتار غیر انحراف آمیز شخص نیز بیشتر می‌شود (کوئن ۱۳۷۰، ۱۶۴).

چارچوب نظری

هر یک از این تئوری‌ها به تناسب تعریف و برداشت خود از جهان، انسان و واقعیت اجتماعی، به بررسی مسائل اجتماعی می‌پردازند. به عنوان مثال کسانی که از دیدگاه کلان‌نگرانه و ساختاری به مسایل اجتماعی می‌نگرد بیشتر با روش‌های علت کاوانه به تحلیل عوامل اجتماعی-عینی و ساختاری مسایل اجتماعی در سطح کلان توجه دارند. در حالی که محققانی که دارای دیدگاه‌های خرد، فرد گرا و نماد گرا هستند بیشتر به مبانی ذهنی و الگوهای کنشی افراد توجه می‌نمایند و مسایل اجتماعی را در ارتباط با ویژگی‌های فردی و ذهنی افراد در سطح خرد مورد تحلیل قرار می‌دهند.

در تحقیق حاضر به دلیل بررسی عوامل اثر گذار به ویژه حاشیه نشینی بر رفتارهای وندالیستی در بین جوانان، تلفیقی از نظریات وفاق و تضاد، مناسب‌تر به نظر رسید. چرا که هم‌نشینی افتراقی ساترلند در تبیین خود می‌گوید «تحقیقات نشان می‌دهد که رفتار جرمی کم و بیش با آسیب‌شناسی‌های فردی نظیر فقر، خانه‌های بد، حاشیه نشینی، فقدان تسهیلات، اوقات فراغت، خانواده بی‌صلاحیت و غیر اخلاقی، عقب‌ماندگی ذهنی و دیگر ویژگی‌ها و شرایط چه وجوه اشتراکی وجود دارد که جرم به میزانی بالا را نتیجه می‌دهد. و همین ما را به آنچه دنبال آن هستیم یعنی تأثیر محیط بر افزایش جرم و رفتارهای تخریب نزدیک‌تر می‌کند و مرتن نیز که هماهنگی وسایل و اهداف را در جامعه مطرح می‌کند، بحث می‌کند در صورتی که یک فرد در محیط اجتماعی خود وسایل رسیدن به اهداف خود را نداشته باشد به

پايين تر باشد ميزان رفتارهاي ونداليستي آنان بيشتر خواهد شد.

- به نظر مي رسد بين ميزان آنومي و ميزان رفتار ونداليستي جوانان رابطه معني داري وجود دارد. بطوريكه هرچقدر ميزان آنومي بيشتر باشد ميزان رفتارهاي ونداليستي نيز بيشتر خواهد شد.
- به نظر مي رسد ميزان رفتارهاي ونداليستي در بين دو گروه از جوانان پسر و دختر متفاوت است. بطوريكه رفتارهاي ونداليستي و گرايش به آن در بين جوانان پسر بيشتر از جوانان دختر است.

روش پژوهش

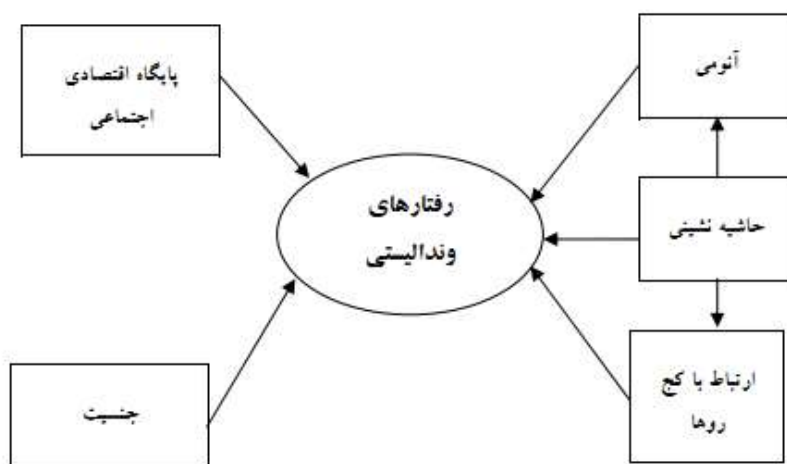
مطالعه حاضر با روش پيمائشي و اسنادي انجام شده است؛ و از تکنیک‌های فیش برداری و پرسشنامه برای جمع آوری داده‌ها و اطلاعات لازم استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق جوانان شهر تهران می‌باشند که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۵۰ نفر انتخاب شدند. برای معرف بودن نمونه‌های آماری ابتدا با توجه به دسته بندی مناطق به دو دسته مناطق حاشیه نشین و فقیر «مناطقى که از امکانات و خدمات شهری نسبتاً نامناسبی در مقابل مناطق دیگر هستند» و مناطق غیر حاشیه نشین و نسبتاً مرفه دسته بندی شدند و با روش نمونه گیری خوشه‌ای طبقه‌ای با حجم نامتناسب و به صورت تصادفی، نمونه‌های آماری انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات متناسب با نوع فرضیات و نوع متغیرها و سطوح سنجش آن‌ها از آماره‌های متناسب پارامتریک و ناپارامتریک استفاده شده است.

آسیب‌ها و کج رفتاری‌ها را بیشتر به شکل طبقاتی می‌بیند و ریشه آن را در قشر بندی جامعه جست‌وجو می‌کند. که عده‌ای اندک ثروت جامعه را در دست دارند و در عمل گروه‌های قدرتمند تمایلات خاص اقتصادی و سیاسی دارند و قدرتمندان قوانین را با معیارهای طرفداری از منافع طبقاتی خود به تصویب می‌رسانند (اکبری و اکبری ۱۳۹۰، ۹۵). طبق این دیدگاه کج رفتاری و ظهور مسائلی از جمله «رفتارهای وندالیستی» در جامعه ساخته و پرداخته و در جامعه تعریف می‌شود. به طور کلی از این دید ریشه مشکلات و مسائل در جامعه عوامل ساختاری جوامع می‌باشد از جمله مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده انحرافات و آسیب‌ها، نابرابری می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد ميزان رفتارهاي ونداليستي در بين دو گروه از جوانان حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین متفاوت است. بطوريكه رفتارهاي ونداليستي و گرايش به آن در بين جواناني که در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند بيشتر از جواناني است که در مناطق غیر حاشیه‌ای هستند.
- به نظر می‌رسد بين ميزان ارتباط با کج روها و ميزان رفتار ونداليستي جوانان رابطه معني داري وجود دارد. بطوريكه هرچقدر ميزان ارتباط با کج روها بيشتر باشد ميزان رفتارهاي ونداليستي نيز بيشتر خواهد شد.
- به نظر می‌رسد بين پایگاه اقتصادی -اجتماعی و رفتار ونداليستي جوانان رابطه معني داري وجود دارد. بطوريكه هرچقدر پایگاه اقتصادی اجتماعی جوانان



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

جدول شماره (۲) توزیع پراکندگی میزان گرایش به رفتارهای وندالیستی در جوانان مورد مطالعه

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
۲۹۷	۱۷/۴۴	۱۳/۹۸	۲۴۳/۱۱	۱/۳۰	۰	۷۵/۱۲

تعیین اعتبار^۵ ابزار اندازه گیری «پرسشنامه» به صورت اعتبار صوری و به عبارتی قضاوت داوران و نظر کارشناسان و متخصصان بوده است و نیز تعیین روایی^۶ که مربوط به تکرار نتایج است با توجه به آلفای کرون باخ بوده است که نتایج این آزمون برای هر یک از گویه‌ها بدین ترتیب می‌باشد: آلفای مربوط به متغیر وابسته (رفتارهای وندالیستی) ۰/۸۸؛ آلفای متغیرهای مستقل (آنومی) ۰/۷۱؛ و (ارتباط با کج روها) ۰/۶۹ بدست آمده است که از سطح مورد نظر بالاتر و نشان دهنده اعتماد به تحقیق می‌باشد که در شرایط مشابه همین نتایج بدست خواهد آمد.

رتبه‌ای و متغیر (حاشیه نشینی و جنسیت) در سطح اسمی و متغیر وابسته (رفتارهای وندالیستی) در سطح سنجش رتبه‌ای مورد سنجش و اندازه گیری قرار گرفته‌اند. لازم به توضیح است برای آزمون تی تست مستقل با توجه به (comput) یعنی جمع بندی که به عمل آمد متغیر رتبه‌ای رفتارهای وندالیستی را تبدیل به متغیر فاصله‌ای کردیم تا از آزمون آماری پارامتریک تی تست مستقل که آزمون قوی‌تر نسبت به آزمون‌های آماری ناپارامتریک «من وایتنی» است بتوانیم استفاده نماییم.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

بر اساس یافته‌های جدول (۲) متوسط میزان گرایش به رفتارهای وندالیستی در جوانان مورد مطالعه برابر $17/23 \pm 13/98$ محاسبه گردیده که حداقل میزان رفتارهای وندالیستی صفر و حداکثر ۷۵/۱۲ می‌باشد. ضریب کجی نیز برابر $sk=1/30$ بدست آمده است.

آمار استنباطی

همان گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود متغیرهای مستقل (میزان ارتباط با کج روها، پایگاه اقتصادی و اجتماعی) در این تحقیق در سطح سنجش

بین میزان ارتباط با کجروها و گرایش به رفتار وندالیستی رابطه معنی داری وجود دارد با توجه به نتایج آزمون اسپیرمن این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵٪ سنجش شده است و سطح معنی داری برابر با $sig=0/001$ که نشان دهنده رابطه معنی داری بین میزان ارتباط با کجروها و گرایش به رفتار وندالیستی می‌باشد. وهم چنین میزان همبستگی برابر ۰/۵۱ است که نشان دهنده شدت رابطه قوی و مستقیم بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 ابطال و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی هرچه میزان ارتباط با کج روها بالا باشد و گرایش به رفتار وندالیستی نیز بالا خواهد رفت.

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه متغیرهای وابسته با متغیرهای مستقل پژوهش

ردیف	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	آزمون‌های آماری	
			ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	میزان ارتباط با کجروها	متغیر وابسته	۰/۵۱	۰/۰۰۱
۲	پایگاه اقتصادی و اجتماعی	رفتار وندالیستی	۰/۵۴	۰/۰۰۵
۳	میزان آنومی	متغیر وابسته	۱/۵۳	۰/۰۰۳
ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره‌های پارامتریک (تی تست مستقل)	(اسمی - رتبه ای)
۱	حاشیه نشینی	تفاوت تی مستقل	۱/۹۱	تفاوت یا عدم تفاوت معنی داری
۲	جنسیت	رفتار وندالیستی	۱/۹۰۱	تفاوت معنی داری وجود دارد.

است و ميزان گرايش به رفتارهای وندالیستی در بين جوانان پسر بیشتر از جوانان دختر می‌باشد.

نتیجه گیری

رشد شتاب زده شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، همچون سایر دگرگونی‌های اجتماعی- فرهنگی در این کشورها، تا حد زیادی ناشی از تأثیر پذیری قالب‌های سنتی از قالب‌های مدرن بوده است که خود سبب تعارض‌ها و ناهمخوانی‌هایی نیز شده است؛ و از جمله نتایج ناخوشایند آن می‌توان به شکل گیری جمعیت‌های حاشیه نشین، یا آنچه امروز بیشتر اسکان غیر رسمی می‌نامند، اشاره کرد. «حاشیه ای» به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که در محدوده شهر ساکن هستند ولی جذب نظام اجتماعی - اقتصادی شهر نشده‌اند (زاهدانی ۱۳۶۹، ۳۲). حاشیه‌نشینی از پیامدهای توسعه نا همسو و بد ریخت در نظام شهرنشینی است. بیش از ۵۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها سکونت دارند، فضاهایی منطقه‌ای که بستری گسترده از ساختارهای خرد و کلان ارتباطی، تعارضات اجتماعی و خشونت‌های سازمان یافته را ترسیم می‌نماید. در محیط‌های حاشیه‌ای با توجه به محدود بودن امکانات نهادها و سازمان‌های موجود، میزان کنترل اجتماعی کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه بی نظمی و اختلافات مختلف و قانون شکنی و بی توجهی به ضوابط و در نهایت ناهنجاری‌های اجتماعی روز به روز توسعه بیشتری پیدا می‌کند.

گرایش به سوی شهرهای بزرگ و مهاجرت روستائیان و سکونت نامناسب در حواشی و اطراف شهرها، محیط‌های ناسالمی را ایجاد می‌کند که احتمالاً آسیب‌های اجتماعی را در همه نقاط شهری اعم از مرکز و پیرامون آن می‌پراکند. چارلز آبرامز حاشیه را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است و نیز حاشیه نشینی در معنای عام را شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. زندگی حاشیه‌نشینان در همه جا در محیط‌های ناسالم پیرامون شهرهای بزرگ گسترش پیدا می‌کند و همراه با آن ناهماهنگی‌های فرهنگی و تفاوت در شیوه زندگی روستائیان شهرنشین و گم‌گشتگی و تغییر هویت در محیط‌های نامأنوس شهری و نهایتاً توسعه خلافکاری‌ها و بدهکاری‌ها در شهرها رشد فزاینده‌ای پیدا می‌کند، در چنین محیط‌هایی با توجه به محدود بودن امکانات نهادها و سازمان‌های موجود، میزان کنترل اجتماعی

بين پایگاه اقتصادی و اجتماعی و گرایش به رفتار وندالیستی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد (۰/۵۴) این آزمون در فاصله اطمینان ۰/۹۵ سنجش شده است سطح معنی داری $\text{Sig}=0/05$ است که از سطح مورد نظر ۰/۰۵ کمتر است که نشان دهنده رابطه معنی داری بين پایگاه اقتصادی و اجتماعی و گرایش به رفتار وندالیستی می‌باشد در نتیجه با توجه به اطلاعات فرضیه H_0 ابطال و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی هر چه پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد بالا می‌رود میزان گرایش به رفتار وندالیستی کاهش می‌یابد.

بين میزان آنومی و رفتارهای وندالیستی رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به نتیجه آزمون اسپیرمن، میزان سطح معنی داری $\text{sig} = 0/003$ چون از ۰/۰۵ کمتر است نشانگر رابطه معنی داری بين رفتارهای وندالیستی و میزان آنومی می‌باشد. بنابراین فرضیه H_0 ابطال می‌شود و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی میزان آنومی تأثیر معنی داری بر رفتارهای وندالیستی جوانان دارد. به عبارتی هرچه قدر میزان آنومی بیشتر باشد میزان رفتارهای وندالیستی نیز افزایش می‌یابد.

بين دو گروه حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین و میزان گرایش به رفتار وندالیستی تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به نتیجه آزمون تی تست مستقل، میزان سطح معنی داری $\text{sig} = 0/03$ چون از ۰/۰۵ کمتر است نشانگر تفاوت معنی داری بين دو گروه حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین و میزان گرایش به رفتار وندالیستی می‌باشد. بنابراین فرضیه H_0 ابطال می‌شود و فرضیه H_1 تایید می‌شود. یعنی گرایش به رفتار وندالیستی در بين دو گروه حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین تفاوت معنی داری با هم دارند. به صورتی که میزان گرایش به رفتار وندالیستی در بين حاشیه‌نشینان بیشتر از غیر حاشیه‌نشینان است.

متوسط میزان گرایش به رفتارهای وندالیستی در جوانان پسر برابر $16/39 \pm 19/43$ و دختر برابر $13/51 \pm 14/90$ بدست آمده است که مطابق آزمون لیون تست مقدار $F=9/32$ با سطح معنی داری $P=0/001$ آزمون برابری واریانس‌ها معنی دار بدست آمده است. بنابراین از t با واریانس نابرابر استفاده می‌شود که مقدار t برابر $t=1/901$ با سطح معنی داری $P=0/004$ می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت میزان گرایش به رفتارهای وندالیستی در بين جوانان به لحاظ جنسیت آنان متفاوت

مناطق حاشیه نشین به نسبت مناطق غیر حاشیه نشین بیشتر و با شدت بالای وجود دارد که این امر نشان دهنده شرایطی است که این مناطق ایجاد می‌کنند و در نهایت موجب ظهور و بروز رفتارهای وندالیستی می‌شود. نتایج حاصل از مطالعات پیمایشی این تحقیق نشان داد حاشیه نشینی که خود نشأت گرفته از عوامل مبداء و مقصد می‌باشد و باعث به وجود آمدن یک سری مسائل مثل خرده فرهنگ‌های بزهکار و گروه‌های کج‌رو و آنومی و ناهنجاری می‌شود و در مقابل از مسائلی مثل پایگاه اجتماعی - اقتصادی ضمن تأثیرگذاری، تأثیر نیز می‌پذیرد و در نهایت روی گرایش رفتارهای وندالیستی تأثیر می‌گذارد.

پیشنهادات

- با توجه به رویکرد مطالعه که حاشیه نشینی را به عنوان مبنا و مبدأ بروز و ظهور رفتارهای وندالیستی می‌داند ضرورت دارد مناطق حاشیه نشین ضمن شناسایی با یک نگاه ویژه ضمن تهیه و تدوین نقشه راه و برنامه همه جانبه در جهت رفع محرومیت گام‌های موثری برداشته شود و در وهله اول فضای کالبدی این مناطق دگرگون و در گام بعدی فرهنگ سازی به عمل آید. به نظر اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در زمان‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می‌تواند شکافی که بین این مناطق با مناطقی که از امکانات و خدمات بهتری برخوردارند را پر کند.
- اولویت قرار دادن مناطق حاشیه نشین جهت اجرای پروژه‌های عمرانی، شهری و رفاهی و ضرورت توجه و رسیدگی به این مناطق که این امر مستلزم همکاری بین دولت و نهادهای دولتی با نهادهای مدیریت شهری از جمله شهرداری است.
- ضرورت برنامه ریزی و سرمایه گذاری در جهت تاسیس و بنیان مجتمع‌های ورزشی و رفاهی برای گذران اوقات فراغت جوانان، چرا که نبود امکانات و مراکز رفاهی و ورزشی در مناطق حاشیه‌ای زمینه را برای گرایش جوانان به رفتارهای وندالیستی فراهم می‌آورد.
- یکی از متغیرهای تأثیر گذار بر رفتارهای وندالیستی میزان ارتباط با کج روها بود که ضرورت دارد جوانان در انتخاب دوستان و در تعاملات خود دقت کنند و نیز خانواده‌ها هم کنترل لازم را داشته باشند.

کاهش پیدا می‌کند اختلافات مختلف و قانون شکنی و بی توجهی به ضوابط و در نتیجه بی نظمی و جرم که طبق تعریف دورکیم: پدیده‌ای طبیعی - اجتماعی است که منشعب از فرهنگ و تمدن آن اجتماع بوده و هر ناهنجاری را که مغایر با این فرهنگ و تمدن باشد و به وجدان عمومی لطمه وارد آورد، جرم می‌نامد؛ روز به روز توسعه بیشتری پیدا می‌کند (توسلی ۱۳۷۴، ۱۳۰).

وندالیسم به عنوان یک پدیده و مسئله اجتماعی مورد توجه اندیشمندان رشته‌های مختلف قرار گرفته است. هر کدام از آنان این پدیده را از زاویه‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند و این امر موجب دسته بندی‌های گوناگون شده است. اندیشمندانی چون لومبروزو، شلدون به نقش عوامل زیستی و وراثتی اشاره کرده‌اند و در واقع معتقدند که خشونت و رفتارهای وندالیستی افراد را می‌توان توسط خصوصیات بیولوژیکی فرد تبیین کرد. دسته‌ای دیگر از اندیشمندان که در این زمینه کار کرده‌اند، روانشناسان می‌باشند. این افراد بر نقش عوامل روانی و خلق و خوی افراد تأکید دارند و بر خلاف دسته قبل معتقدند که رفتارهای ناهنجار فرد را باید توسط عوامل روانی و مشکلات درونی فرد تبیین کرد نه مشکلات زیستی و وراثتی. روانشناسان به نقش و تأثیر غریزه، محرومیت و بی نظمی‌های روانی اشاره می‌کنند. در نهایت سومین دسته از اندیشمندی که به این مسئله پرداخته‌اند، روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان می‌باشند که رایج‌ترین اندیشه در تبیین رفتارهای وندالیستی می‌باشد. این گروه از اندیشمندان معتقدند که رفتارهای وندالیستی یک مسئله اجتماعی است و باید توسط عوامل اجتماعی و محیطی تبیین شود و تبیین آن توسط عوامل بیولوژیکی و روانی را نادرست می‌دانند.

در بروز هر نوع آسیب اجتماعی، از جمله وندالیسم، بسیاری از فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مؤثرند و از آن جمله می‌توان به درهم ریختن سنت‌ها و سرعت فزاینده مدرنیته اشاره کرد. مسائلی نظیر از خود بیگانگی، بیکاری، فقر، نابسامانی‌های خانوادگی و مشکلات هویتی جوانان به طور مستقیم، زمینه‌های اجتماعی را برای وجود انواع آسیب‌ها از جمله وندالیسم در جامعه فراهم می‌کند. ضمن این که زمینه‌های غیر مستقیم مانند طلاق والدین، اعتیاد والدین و ... نیز در بروز این آسیب‌ها مؤثرند. ضمن اینکه یافته‌های این پژوهش مهر تأییدی است بر این امر که میزان آنومی، میزان ارتباط با کج روها و سطح پایین پایگاه بر رفتارهای وندالیستی تأثیر می‌گذارند و این عوامل در

- سطح پایگاه پایین جوانان از جمله عواملی بود که در رفتارهای وندالیستی تأثیرگذار بود که این امر نیز یکبار دیگر لازمه زدایش فقر و ایجاد اشتغال و بالا بردن سطح رفاه را در مناطق حاشیه شهر را نشان می‌دهد.
 - از جمله موارد دیگر جنسیت افراد بود که پسرها نسبت به دخترها بیشتر رفتارهای وندالیستی را نشان می‌دهند که این امر ضرورت مطالعه عمیق‌تر این موضوع را می‌طلبد و نیز توجه و رسیدگی به خواسته‌های جوانان با توجه به نیاز و علایق آنان را می‌رساند که بایستی مناسب و متناسب با نیازهای دخترها و پسرها گام برداریم و عمل کنیم.
 - در آخر ضرورت دارد تا یک مطالعه و تحقیق عمیق و همه جانبه در مورد این موضوع به عمل آید تا بتوان راهکارها و استراتژی‌ها و سیاست‌های مناسب‌تر و عملی‌تری در جهت تعدیل و کاهش این پدیده ارائه داد.
- منابع و مآخذ**
- ۱) احمد وند، محمد علی. (۱۳۷۳). **اعتیاد**. تهران: پیام نور.
 - ۲) اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۴). **تفکر نظری در جامعه‌شناسی**. ترجمه علی محمد حاضری و دیگران. تهران: سفید.
 - ۳) اکبری، ابوالقاسم و مینا اکبری. (۱۳۹۰). **آسیب شناسی اجتماعی**. تهران: رشد و توسعه.
 - ۴) انتظاری، علی. (۱۳۸۸). **راه‌های پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر**. کنفرانس ستاد مبارزه با مواد مخدر. بهمن ۱۳۸۸.
 - ۵) بودون، ریمون و فرانسوا بوریکو. (۱۳۸۵). **فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی**. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: فرهنگ معاصر.
 - ۶) پاتریس ژانورن. (۱۳۶۷). **وندالیسم بیماری جهانی خرابکاری**. ترجمه فرخ ماهان، مجله دانشمند، شماره پی در پی ۲۹۹، شماره ۶.
 - ۷) پیران، پرویز. (۱۳۸۰). **اجتماعات الونکی پدیده‌ای فراتر از حاشیه نشینی**. تهران: موسسه کیهان.
 - ۸) پیران، پرویز. (بی تا). **شهر نشینی شتابان و ناهمگون**. مجله سیاسی، اقتصادی اطلاعات. شماره سوم و پنجم و ششم.
 - ۹) پیران، پرویز. (بی تا). **مساکن نابهنجار**. مجله سیاسی، اقتصادی اطلاعات، شماره هفتم.
 - ۱۰) توسلی، غلام‌عباس. (۱۳۷۴). **جامعه شناسی شهری**. دانشگاه پیام نور: تهران.
 - ۱۱) دهقان نیری، علیرضا. (۱۳۶۹). **بررسی وضعیت اجتماعی، اقتصادی آلونک نشینان**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت: دانشگاه تربیت مدرس.
 - ۱۲) زاهد زاهدانی، سید سعید. (۱۳۶۹). **حاشیه نشینی**. شیراز: دانشگاه شیراز.
 - ۱۳) سروستانی، رحمت‌الله صدیق. (۱۳۸۳). **آسیب‌شناسی اجتماعی**. تهران: دانشگاه تهران.
 - ۱۴) سن، آمارتیاکومار. (۱۳۸۱). **توسعه به مثابه آزادی و ترجمه حسین راغفر**. تهران: کویر.
 - ۱۵) ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۶). **آسیب شناسی اجتماعی در ایران**. تهران: آریانا.
 - ۱۶) شکرریزی، زهرا. (۱۳۷۶). **بررسی عوامل موثر بر رفتارهای وندالیستی در دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران** و پایان نامه کارشناسی ارشد.
 - ۱۷) صالحی جونقانی، فرحناز. (۱۳۷۹). **بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر اعتیاد**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی: دانشگاه شیراز.
 - ۱۸) حسینی، سید حسن. (۱۳۸۵). **کودکان کار و خیابان**. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی: سلمان.
 - ۱۹) خراطها، سعید. (۱۳۸۳). **حاشیه نشینی در محله‌های ناهنجار شهر تهران (مورد محله غربت)**. مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی. تهران: دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی.
 - ۲۰) عبدی، کافیه. (۱۳۸۶). **بررسی عوامل گسترش اعتیاد در بین حاشیه‌نشینان تهران**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
 - ۲۱) کوهن، آلن. (۱۳۷۳). **فرهنگ مواد مخدر**. ترجمه حسن حاج سید جوادی. تهران: نشر سعید محبی.
 - ۲۲) کوئن، بروس. (۱۳۸۶). **مبانی جامعه شناسی**. ترجمه توسلی و فاضل. تهران: سمت.

یادداشت‌ها

¹ Vandalism

^۲ وندال نام یکی از اقوام ژرمن-اسلاو است که در قرن پنجم میلادی در سرزمین‌هایی که امروزه فرانسه و اسپانیا نامیده می‌شود، زندگی می‌کردند. آنان مردمانی جنگجو، خونخوار و مهاجم بودند که دائماً به سرزمین‌های اطراف خود حمله نموده و به تخریب مناطق و آبادی‌های آنان می‌پرداختند تا جایی که به غارتگری، وحشی‌گری و خرابکاری شهرت داشتند. به همین جهت بعدها برای نام‌گذاری اعمالی از این دست، از واژه وندالیسم استفاده گردید. (ژانورن ۱۳۶۷، ۲۸).

³ Anomie

⁴ Elination

⁵ validity

⁶ reliability

(۲۳) گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.

(۲۴) ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). **انحرافات اجتماعی**. تهران: شرکت سهامی انتشار.

(۲۵) معتمدی، حمید. (۱۳۸۷). **علل اقتصادی اجتماعی موثر بر پدیده تکدی‌گری در شهر مشهد**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی: دانشگاه تهران.

(۲۶) محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۵). **آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی / بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران**. تهران: بی‌جا.

(۲۷) محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۹). **مبانی نظری و تجربی وندالیسم**. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶

(۲۸) محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). **وندالیسم**. تهران: آن.

(۲۹) محسنی تبریزی، علیرضا و محمدمهدی رحمتی. (۱۳۸۱). **سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و آرایه یک مدل علی-توصیفی خشونت در ورزش**. نامه علوم اجتماعی بهار و تابستان.

(۳۰) منصورفر، کریم. (۱۳۸۲). **روش‌های آماری**. تهران: دانشگاه تهران.

(۳۱) نبوی، عبدالحسین. (۱۳۷۴). **بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی موثر بر شیوع جرائم در جامعه شهری اهواز**. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.

(۳۲) روزنامه حیات نو. (۱۳۸۲). شماره ۷. صفحه ۳-۴.

(۳۳) هارولد میزروچی، ابراهیم. (۱۳۷۳). **بیگانگی و بی‌هنجاری**. ترجمه محمدرضا عطائی. فرهنگ و توسعه، سال سوم، شماره ۱۶.

34) Seigel, Larry. (1998). *riminology*, London: Wadsworth Publishing Company.